



عباس عراقچی در اندیشکده سلطنتی
چتم هاوس انگلیس:

**برجام موفق نبود
تحریم‌ها برداشته نشد**

صفحه ۲

VATAN-E-EMROOZ ■ Vol.10 ■ No.2385 ■ Sat.Feb.24, 2018 ■ ISSN:2008-2886

۱۱۷۹ سال و ۸۹ روز گذشت

روزنامه صبح ایران



دولت دوباره اعلام کرد به دنبال بررسی
حساب‌های مردم برای حذف بارانه نقدی نیست
اما نمایندگان روایت دیگری دارند

**دولت با ملت
روراست باشد**

صفحه ۳



شنبه ۵ اسفند ۱۳۹۶ ■ ۷ جمادی‌الثانی ۱۴۳۹ ■ ۲۴ فوریه ۲۰۱۸ ■ سال دهم ■ شماره ۲۳۸۵ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

یادداشت امروز

مظلومان همیشه تاریخ!

■ حسن رضایی ■

انقلاب اسلامی مظلوم است؛ نه فقط به‌خاطر آنکه ۴۰ سال به ناحق، تحت تحریم درنده‌ترین دولت‌های عالم قرار گرفته، نه فقط به‌خاطر آنکه باتیان کشتار قریب ۱۰۰ میلیون آدم در جنگ‌های اول و دوم جهانی، طی ۸ سال جنگ تحمیلی، از ششیر مرغ تا کش تنبان را به صدام می‌دادند و حتی نه به‌خاطر اینکه حالا رسانه‌های خبیث همان دولت‌ها، با وقاحتی باورنکردنی انقلاب عزیز ما را حامی داعشی می‌نامند! مظلومیت اساسی انقلاب اسلامی، در حقیقت آن است که بخشی از فرزندان او مکرر و طی بازه‌های زمانی طولانی، به‌رغم خواست مردم و رهبری، در صدد کشتن آن برآمده‌اند. مظلومیت اصلی انقلاب اسلامی در این سخن صدق دکتر حسن سبحانی، استاد اقتصاد دانشگاه تهران طی نامه‌اش به حسن روحانی پس از پیروزی او در انتخابات ۹۲ است که می‌نویسد: «واقعیات تجربه شده اقتصادی امروز کشور نشان می‌دهد منشأ بسیاری از مضلات اقتصادی- اجتماعی کشور اجرای سیاست‌های نامتناسب با شرایط ایران یعنی «تعديل ساختاری» است».

سیاست‌های «تعديل ساختاری»، در واقع تجویز صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی - عابرانک همان حامیان دیروز صدام- برای اقتصاد ایران پس از جنگ بود که به‌رغم تعارض آشکار با روح انقلاب با حمایت قاطع مرحوم هاشمی در دولت سازندگی کلید خورد و تا هم‌اکنون تداوم داشته و تمام اقتصاد ایران را مریض کرده است. مظلومیت مضاعف انقلاب اسلامی آن است که حالا هم‌زمان با تسلط مجدد طراحان و مجریان همان سیاست‌ها بر دولت یازدهم و دوازدهم، این افراد به عنوان مقصران اصلی وضعیت اقتصادی گذشته و حال، نه‌تنها مسئولیت گذشته را نمی‌پذیرند که از پذیرش مسئولیت کنونی خود نیز طفره می‌روند و سعی دارند پرونده شکست‌خورده خود در برجام را نیز پای انقلاب سیاه کنند.

دولت روحانی البته در این فراقکتی تنها نیست و فردی چون مسیح مهاجری هم دست به قلم شده که اختیارات رئیس‌جمهور ۱۵ درصد است و خب! با این اختیارات نمی‌شود اقتصاد را درست کرد! وسط روضه، نمی‌خواهم بخندانم‌تان، لذا اجازه دهید از سخنان جناب مهاجری رد شوم و بگویم از این واقعیت که: جمهوری اسلامی از انقلاب اسلامی هم مظلوم‌تر است! جمهوری اسلامی مظلوم است، نه فقط به‌خاطر اینکه حامیان اصلی تمام دیکتاتورهای تاریخ تا همین حالا، در لندن، واشنگتن و پاریس، به‌رغم برگراری قریب ۴۰ انتخابات در ۴۰ سال، آن را به دیکتاتوری متهم می‌کنند! مظلومیت اساسی جمهوری اسلامی در آن است که انقدر به همگان آزادی داده تا بنی‌صدری که هیچ اعتقادی به قانون اساسی آن نداشت هم نخستین رئیس‌جمهورش باشد. مظلومیت اصلی جمهوری اسلامی آنجاست که کسانی که سال ۸۸ علنا کمر به قتل جمهوری در این کشور بستند هم حالا به جای حساب پس دادن، وزیر و وکیل شده و طلبکاران هستند! مظلومیت جمهوری اسلامی در این است که کسانی که از طریق ساختارهای همین نظام، تایید شده و به منصبی رسیده‌اند، انقدر آزادند که روز روشن، اپوزیسیون نظام و همان ساختارها با همان مسؤولان سابق (!) شوند.

خلاصه آنکه مظلومیت اساسی جمهوری اسلامی در آن است که همچون علی (ع) بس به همگان آزادی داده، اپوزیسیونش، در شام نیست، که همواره در نخیله اردو می‌زند!

مظلومیت فرزندان خلف انقلاب اسلامی اما خود قصه پر غصه‌ای دیگر است. گویی سرنوشت پیروان راستین علی (ع) را از ازل با مظلومیت رقم زده‌اند که بهشتی با آن همه بزرگی هم باید تنها با شهادتش ثابت می‌کرد انقلابی بوده است! بهشتی در واقع، شهید آزادی‌فراخی بود که خود در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی گنجانده بود و من معتقدم علاوه بر او، تمام ۳۰۰ هزار شهید انقلاب هم اینگونه‌اند؛ همچون مولای‌شان علی (ع)! اینجا اما کسانی تخصص‌شان، عوض کردن جای جلا و شهید است؛ همچون خونخواهان دروغین عثمان! اگر فیلم زیر گرفتن شهدای نیروی انتظامی و بسیج را در آشوب اخیر عناصر فرقه نورعلی تاینده دیده‌باشید، بعید است چشم‌تان گرم نباشد و بر باعث و بانی آن، لعنت نفرستاده‌باشید.

ادامه در صفحه ۵



عکس: مهدی شمیری/ایلیا

صفحه ۲

روزنه

هر کس می‌خواهد باشد!

■ امیراستکی ■

هر ایده، اندیشه و سبک زندگی اگر به سمت فرقه شدن حرکت کند به شکل بالایی مستعد خشونت خواهد بود. حتی اگر پرهیز از خشونت از خط‌مشی‌های اصلی آن نیز باشد اما باز در شرایطی که اعضای فرقه احساس کنند در خطرند، از هیچ اقدامی ولو خشن و غیرانسانی دریغ نخواهند کرد. تشابه رفتارهای خشن دوشنبه شب اهل فرقه با جنایت‌های داعش، به هیچ‌وجه اتفاقی نیست و اشتراک اساسی آنها در همین ویژگی فرقه‌ای است.

واکنش اکثریت قریب به اتفاق شاهدان وقایع دوشنبه شب ابراز تأسف توأم با ترس و دلهره بود. دقیقا همان احساسی که به انسان در مواجهه با جنایت‌های دواش دست می‌دهد. همه منتظر برخورد قانونی و مقتدرانه با این جماعت زنجیر پاره کرده قرون وسطایی هستند، همانگونه که برابر داعش چنین انتظاری را داشتند اما هستند کسانی که در این کشور چنین خواسته‌ای نداشته و با توسل به استناداردهایی دوگانه به دنبال بهره‌برداری سیاسی از هر پتانسیل ولو وحشیانه‌ای ضد جمهوری اسلامی باشند. زمانی که اکثریت قریب به اتفاق ایرانیان در پاسخ به پرسش از مشروعیت کاربرد زور در قبال تروریسم و آدم‌کشی، سخنان از ضرورت کاربست آن می‌کنند، روشننگران و تجدیدنظرطلبان وطنی اما اعتقاد دیگری دارند. پاسخ این پرسش از سوی روشننگران و لشکر روزنامه‌نگاران اطرافشان دقیقا بستگی دارد که به نفع یا ضرر کدام حکومت باشد. یعنی اگر فرانسه را یک خطر امنیتی تهدید کند و داعشی‌ها در آنجا رعب و وحشت ایجاد کنند و ملت را با کامیون زیر بگیرند، آنگاه کاربرد زور در سرکوب داعش نه‌تنها مشروع، بلکه واجب خواهد بود و روشننگران وطنی هم از همین تهران خودمان با روشن کردن چندین هزار شمع با خلق مظلوم فرانسه همدردی می‌کنند و برای دولت فقیهه آن کشور آرزوی موفقیت کامل در سرکوب داعش و تندرهای مسلمان آدمکش می‌کنند اما در ایران از دیدگاه اینان حکومت در همه زمینه‌ها حق اعمال قدرت به منظور برقراری نظم و آرامش را ندارد. از نظر اینان هر گروهی که به هر دلیل در مقابل نظام جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد می‌تواند از حق استفاده از زور برای مقاصد خود استفاده کند و کاربست زور در مقابله با آن از سوی حکومت رفتاری غیراخلاقی، غیرقانونی و نامشروع خواهد بود.

ادامه در صفحه ۵

کمپین «کشتن هموعان‌تان را متوقف کنید!» که در آن مقطع، توسط اصغر فرهادی، کارگردان اسکارگرفته سینمای ایران در فضای مجازی به راه افتاده بود، اقدام به انتشار تصاویری می‌کرد که هیچ ارتباطی با موضوع کشتار فلسطینیان نداشت! و در موضعی دوپهلو تنها خواستار توقف کشتار هموع شده بود. نمایشی مبتذل، بدون دربرداشتن هیچ‌گونه هزینه و ریسک سیاسی؛ آن هم فقط محض کسب پرستیژ روشننگری!

همان روزها البته خبرنگار باوجدانی در تقبیح این عمل بی‌خاصیت نوشت: «آدم ناخودآگاه فکر می‌کند دوستان حتی در انتشار تصاویر معترض‌شان فکر رویارویی با مأمور روادید در فرودگاه جان اف کندی نیویورک را هم در سر داشته‌اند!» فارغ از هر دیدگاه سیاسی، سخن این است که هیچ دولتی اجازه تعرض اوباش را به مأموران تأمین امنیت، آن هم در سطح خیابان‌های شهر نمی‌دهد! و جای بسی تعجب است که در ۵ روز گذشته هیچ موضع در خوری از دولتی که امر طبیعی‌اش برخورد با ناهنجاری و آشوب است ندیده‌ایم و انگار کسی یا کسانی هم بدشان نمی‌آید ایران ناامن دیده شود!

خوب است دوستان روشننگر‌نما حالا یک بار هم شده، با مراجعه به وجدان خود، دست از تظہیر تروریست‌ها بردارند. مقصر اصلی ریخته شدن خون شهدای اخیر، بیش از آنکه عناصر آشوب‌طلب باشند، کسانی هستند که با تایید و حمایت ضمنی از اقدامات تروریستی آنها، در روز روشن، جای شهید و جلا را عوض می‌کنند.

وجدان داشته باشید

■ محمدعلی بهاری ■

چه چیزی را تحمل کنند؟ زیر گرفتن سربازان مامور امنیت کشور با ۲ خودروی متفاوت طی تنها ۲ ساعت، تکه پاره کردن جوان بسیجی با قمه، تخریب اموال عمومی، عربده‌کشی و آتش زدن درختان و اموال مردم، اگر تحمل نیست، چه نام دارد؟ و دقیقا متخصصان تحمل و مدارا، به چه حدی از تحمل و ریخته شدن خون فرزندان انقلاب، رضایت می‌دهند؟ مصطفی تاجزاده، دیگر چهره شناخته‌شده اصلاح‌طلب نیز که ظاهرا خود را حکیمی سترگ می‌بیند که باید هر چند وقت یکبار، جمله‌ای قصار به این و آن بگوید، خطاب به رئیس‌جمهور اینگونه توثیت کرده است: «جناب روحانی! نوع مواجهه حاکمیت با مجموعه درویش در ۴ دهه گذشته اشتباه بوده است. سرکوب آنها در حال حاضر نه خطا که فاجعه است. مانع ایجاد بحران جدید شوید».

همفکران تاجزاده در جبهه فرهنگی نیز ظاهراً الساعه پول شمع خریدن برای شهدای مظلوم ناجا را ندارند! لذا ترجیح داده‌اند مساله را به سکوت یا وسط لحاف خوابیدن با ژست «محکوم کردن خشونت از سوی هر کسی!» بگذرانند. امری که ناخودآگاه و مجدداً من را یاد کمپین چند سال قبل همین دوستان در جریان حمله رژیم غاصب صهیونیستی به غزه می‌اندازد.

و چه خوب ترجمه کرده حرف سیدمرتضی را برادر عزیزم حسین قدیانی که «ای تاریخ! قلمت بشکند اگر نویسی اینجا بهشت اپوزیسیون است! که اینجا بسیجی باید برود جان دهدا تا حتی آنکه نظام را قبول ندارد، در اوج امنیت برود رای دهدا!» سطح مظلومیت ناجا و افسار پاره کردن عناصر آشوب‌طلب اما به همین جا ختم نمی‌شود، چرا که نمک اصلی را بر زخم مادران ۴ شهید بسیج و ناجا، نه آن عنصر فریب‌خورده با سبیل‌های بناگوش دررفته‌اش، که باز هم همان کپی‌های دست چندم روشننگران غربی می‌باشند. کسانی که دیروز با حمله دواش به مردم فرانسه گر گرفته بودند و سپس در حمله داعش به مردم لبنان، عراق و افغانستان غیبشان زده بود، حالا در برابر حمله وحشیانه عناصر آشوب‌طلب به سربازان و مأموران مظلوم ناجا و بسیج، حرف‌های متفاوتی می‌زنند. حضرات حالا تازه فهمیده‌اند: «خشونت از هر طرف باشد، محکوم است!» برخی چهره‌های رسانه‌ای اصلاح‌طلب، همچون عبدالله رمضان‌زاده، سخنگوی دولت اصلاحات اما پا را از این هم فراتر گذاشته، می‌گویند: «درویش را به حال خود بگذارید. آنها فقط در فهم از اسلام با شما تفاوت دارند. این حد را هم تحمل نمی‌کنید!«

سوال اینجاست: فرزندان این انقلاب دیگر باید چه چیزی فراتر از شگفتی معرفی می‌کردند و توانایی هضم آن را نداشتند. اعترافات متعدد آنها در این زمینه به وفور موجود است. کپی‌های دست صدم روشننگران غربی اما طی این سال‌ها در اینجا خود تبدیل به بخشی از عجایب موجود در جمهوری اسلامی شده. اینجا رسم است کسانی که خود را یگانه مالک سرقفلی میراث کورش کبیر می‌پندارند، هم‌زمان برای نمایش فلاکت، بی‌فرهنگی، عقب افتادگی و بدبختی انسان ایرانی در جشنواره‌های خارجی فیلم بسازند و با جایزه‌اش فخر هم بفروشند!

اینجا رسم است کسانی که نه جایگاه هنری و اجتماعی، که گوشت تن‌شان هم از منابع عمومی ملت ایران روییده است، عدم وابستگی به انقلاب ملت و ۳۰۰ هزار شهید انقلاب را نشانه شخصیت خود تلقی کنند! اینجا رسم است بسیجی برای دفاع از مرزهای ایران ذبح شود، پز دفاع از ایران و کورش‌شناسی را اما کسانی دیگر هنگام سر کشیدن قهوه در کافه‌های بالاشهر توثیت کنند.

اینها همه را سیدمرتضی آوینی چندین سال قبل بخوبی فهمیده بود. من اما وقتی به حمله وحشیانه عناصر فرقه نورعلی تاینده به مأموران مظلوم ناجا نگاه می‌کردم و اشک می‌ریختم، حرف‌های آوینی را با تمام وجود لمس کردم: «در جمهوری اسلامی، همه آزادند، جز حزب‌اللهی‌ها!»



به ما پیوندید یا ارسال عدد ۸ با سامانه پیام کوتاه ۱۰۰۱۴
ثبت نام در سایت : www.jahadim.ir , Telegramme/jahadim_ir , شماره تماس : ۷۱۳۸۷